

مقدمه‌هایی به فارسی و فرانسه، مشترکاً در تهران و پاریس، نخستین بار در ۱۳۳۲ ش تصحیح و چاپ کردند. ابراهیم دسوقی شتا این کتاب را به عربی ترجمه کرد که در ۱۳۵۳ ش / ۱۹۷۴ در قاهره منتشر شد. ایزابل دوگاستین^۱ نیز در ۱۳۶۹ ش / ۱۹۹۰ آن را به فرانسه ترجمه کرد.^۲ همچنین تسیمه پروین پیروانی^۳ آن را تلخیص و به انگلیسی ترجمه کرد که در > جنگ فلسفه در ایران^۴ (ج ۲، ص ۲۹۱-۳۱۱) با ویرایش سیدحسین نصر و مهدی امین‌رضوی در ۲۰۰۱ چاپ شد.

منابع: ابن‌رشد، فصل‌المقال فی تقریر مابین الشریعة والحکمة من الاتصال، او، وجوب النظر العقلي و حدود التأويل (الدین و المجتمع)، بیروت ۱۹۹۹؛ محمدبن عبدالکریم شهرستانی، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، چاپ عکسی از روی نسخه منحصرنقد موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۶۸؛ محمدبن سرخ نیشابوری، شرح قصیده فارسی خواجه ابوالهشیم احمدبن حسن جرجانی، چاپ هانری کوربن و محمد معین، تهران ۱۳۳۴؛ هبة‌الله بن موسی مؤید فی‌الدین، المجالس المؤیدیه: المسألة الأولى، چاپ مصطفی غالب، بیروت [۱۹۷۴؟]؛ مجتبی مینوی، «قصیده چون و چرا»، یادگار، سال ۲، ۸ (فروردین ۱۳۲۵)؛ ناصر خسرو، دیوان، چاپ مهدی سیلی، [اصفهان] ۱۳۴۸؛ همو، کتاب جامع‌الحکمتین، چاپ هانری کوربن و محمد معین، تهران ۱۳۶۳ ش.

/ هرمان لندولت /

جامع‌الرؤاة (نام کامل آن: جامع‌الرؤاة و لزاخه

الاشتیاهات عن الطرق و الآساد)، کتابی رجالی به عربی از محمدبن علی اردبیلی، عالم عصر صفوی، به جز اشارات کوتاه خود اردبیلی در جامع‌الرؤاة، مطلب چندانی در باره زندگی او در منابع نیامده است. وی در حدود ۱۰۵۸ به دنیا آمد (حسینی اشکوری، ص ۱۲۱). او (ج ۱، ص ۱۵۳) از استادان خود به جعفر بن عبدالله کمره‌ای (قاضی کمره‌ای^۵، متوفی ۱۱۱۵) اشاره کرده و گفته که تمام علوم متداول را نزد او خوانده است. همچنین اردبیلی (ج ۲، ص ۱۵۲) از دیگر استاد خود، محمدعلی بن احمد استرآبادی، نام برده و او را ستوده است. از دیگر مشایخ وی، محمدباقر مجلسی بوده که در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۰۹۸ به اردبیلی اجازه عام روایت آثار خود را داده است (برای متن اجازه به اردبیلی، ج ۲، ص ۵۴۹-۵۵۲؛ حسینی اشکوری، ص ۱۲۲-۱۲۷). در آغاز این اجازه، مجلسی اشاره کرده که اردبیلی بسیاری از آثار حدیثی و عقلی را نزد او قرائت کرده است (به اردبیلی، ج ۲، ص ۵۴۹-۵۵۰). بنابر نوشته آقازسی قزوینی بر

می‌کند به کمک قوای طبیعت کلی، که به نمایندگی از طرف نفس کلی به نحوی عمل می‌کنند که همه چیز در هستی زمانی به گونه‌ای تخم اصلی ابداع بی‌زمان (تخم ابداعی) را منعکس می‌کنند (ناصر خسرو، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۲-۱۳۴، ۱۴۵-۱۵۱، ۲۱۰-۲۳۱). این سلسله مراتب کیهان‌شناختی بازتابی از نظم مشخصاً مذهبی «عالم دینی اسماعیلیه» نیز هست و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به حضرت علی علیه‌السلام در نگارش «کتاب شنودنی» یعنی قرآن، همان نقشی را دارد که عقل کلی نسبت به نفس کلی یا قلم الهی نسبت به لوح در نگارش «کتاب دیدنی» یعنی خلقت دارد (همان، ص ۲۳۰-۲۳۲). اساس این فکر همان حدیث مشهور اسماعیلیه است (همان، ص ۲۹۰) که بر طبق آن «خداوند دین خود را بر مثال آفرینش خود بنا کرد تا انسان بتواند از آفرینش او به دین او و از دین او به وحدانیت او رهنمون شود» («إِنَّ اللَّهَ أَسَسَ دِينَهُ عَلَى مَثَالِ خَلْقِهِ لِيُشْتَدَلَ بِخَلْقِهِ عَلَى دِينِهِ وَ بَدِينِهِ عَلَى وَحْدَانِيَّتِهِ» در باره انتساب این حدیث به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مؤید فی‌الدین، ص ۹۷، ۱۱۷؛ قس شهرستانی، ج ۱، ص ۱۱۱ آ، که آن را به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده است).

ناصر خسرو در دیباجة جامع‌الحکمتین (ص ۱۰-۱۲) کسانی را که دانش طبیعی و هرگونه تفحص در باره آفرینش را غیر مجاز و کفر می‌دانند نکوهش کرده و آنان را «فقها لقبان» و «علما لقبان» دین اسلام خوانده است. سخنان وی در این باب حاکی از شیوع چنین رویکردی در خراسان عصر اوست. وی در مقابل آنان استدلال کرده که رهیافت علمی و فلسفی به خلقت (یا چون و چرا در باره آفرینش) نه فقط مجاز است بلکه واجب دینی است (همان، ص ۱۲؛ نیز به ابن‌رشد که بعدها در فصل‌المقال فی تقریر مابین الشریعة و الحکمة من الاتصال به طریق مشابه در جهان سنی به استدلال در این باب پرداخته است). با این وصف، وی از تفاسیر عقل‌گرایانه «متکلمان خودرأی» از قرآن، انتقاد کرده و با طنز در باره مجادلات متکلمان در باره صفات الاهی اظهار نظر کرده است. گرچه وی در بررسی مکتبهای کلامی سنی برای معتزله بیش از کزامیه اعتبار قائل شده اما از معتزله به سبب طرد تقلید شدیداً انتقاد کرده و معتقد است که تقلید نه تنها با پیروی کورکورانه از الگوهای مرسوم ارتباطی ندارد بلکه شرط لازم هر فرایند آموزشی برای رسیدن به مراحل عالی‌تر حقیقت، یعنی تأویل، است؛ تأویلی که در لغت به معنای ارجاع شیء به اصل آن است (ناصر خسرو، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۱-۷۳).

جامع‌الحکمتین را محمد معین و هانری کوربن همراه با

1. Isabelle de Gastines

2. Le livre réunissant les deux sagesse

3. Latimah Parvin Peerwani

4. An Anthology of philosophy in Persia

5. Hermann Landolt

پشت نسخه‌ای از جامع الرواة، اردبیلی در کربلا و در ذیقعدۀ ۱۱۰۱ وفات کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۶۴۰).
جامع الرواة مهم‌ترین اثر شناخته‌شده اردبیلی است. این کتاب از لحاظ شیوۀ بحث مؤلف و کارآمدی و سودمندی، در دانش رجال و روند نگارش آثار رجالی، جایگاهی ویژه دارد. اردبیلی در مقدمه (ج ۱، ص ۶۳)، هدف، روش و شیوۀ تدوین کتاب را بیان کرده است. وی در هنگام فراگرفتن احادیث اهل بیت علیهم السلام، خود را ملزم به بررسی صحت طریق یا ضعف آن، معلوم یا مجبول بودن روات و حسن یا وثاقت آنها کرده، اما در حین تتبع و مراجعه به منابع بسیار، به لحاظ یادکرد راویان بدون ذکر مشخصات، و نیز اختلاف نسخه‌ها دچار حیرت می‌شده و راهی برای ترجیح حکم به صحت یا ضعف نمی‌یافته و، همچون بسیاری از فقیهان، نظر می‌داده که حدیث، ضعیف است، و حال آنکه به واقع چنین نبوده است؛ وی تأکید کرده که اینگونه روایات در منابع حدیثی فراوان است (ع اردبیلی، ج ۱، ص ۳). اردبیلی برای حل این مشکل، بعد از تأمل و بررسی شیوه‌های گوناگون، به این نتیجه رسیده که از طریق تأمل در راوی و مروی عنه می‌توان ابهام موجود در نام راویان را زدود و چه بسا به هویت واقعی راویان پی برد. اردبیلی (ج ۱، ص ۵۴)، پس از اشاره به این شیوه، توضیح داده است که هیچ‌یک از عالمان رجالی چنین شیوه‌ای نداشته و تنها گاه به اشاراتی کوتاه در باره راویان یک فرد بسنده کرده‌اند؛ اما او نام تمام راویان را گردآورده است. وی (ج ۱، ص ۵، ۷) عناوین کتابها و شیوۀ خود را در جمع و تدوین ذکر کرده است. با توجه به آنچه در این مقدمه آمده، باید این کتاب را روشنگری در باب مشترکات (اسمهای مشابه) و اولین اثر مکتوب در این زمینه دانست. آقابزرگ طهرانی (۱۳۳۷ ش، ستون ۴۲۹) هم آن را تمیز مشترکات خوانده است.

جامع الرواة را همچنین می‌توان ذیلی بر تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال (رجال و سبط) میرزا محمد استرآبادی دانست. به گفته آیت‌الله بروجرودی (اردبیلی، ج ۱، مقدمه، ص ۳) نیز جامع الرواة ذیلی بر تلخیص المقال استرآبادی است و اردبیلی دیباچۀ آن را تلخیص کرده و آنگاه تراجم رجال را، بر اساس ترتیب تلخیص المقال و با عین عبارات آن، گزارش نموده و اگر در نقد الرجال یا کتب اربعه مطالب مفید دیگری یافته، بر آن افزوده است.

اردبیلی نام راویان را به صورت کامل، افزون بر نامهایی که در منابع رجالی شیعه ذکر شده و نامهایی که در منابع رجالی نبوده و در کتب چهارگانه حدیثی شیعه آمده، آورده است. این نامها (۷/۸۴۶ نام)، که بخش عمده کتاب را تشکیل می‌دهند، به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده‌اند. فصلی نیز به کنیه‌ها با تعبیر «ابو»، فصلی به نامهایی که با «ابن» شروع می‌شوند (۱۵۵ مورد)

و فصلی دیگر به القاب و نسبتهای مشهور راویان (۲۰۸ عنوان) اختصاص یافته است. فصلی نیز به نام زنان (۸۸ نفر) اختصاص دارد. در فصلی نیز آنچه صورت ابهام داشته، چون «عن رجل» و «عن شیخ من اصحابنا» ذکر شده است. به این ترتیب، در مجموع ۹۰۵۰ عنوان در فصل نامها، کنیه‌ها، لقبها و دیگر فصلها آمده است. اردبیلی بعد از ذکر عبارات استرآبادی، که پایان آنها را با رمز «مح» مشخص کرده، اگر در کتاب نقد الرجال تفرشی مطلب مهمی یافته که استرآبادی آن را نیاورده، آن مطلب را نقل و با رمز «س» آن را معین کرده است. افزون بر اینها، مواردی را از الفهرست شیخ متجب‌الدین با رمز «جب» افزوده است.
از ویژگیهای مهم کتاب اردبیلی روشن کردن طبقه روات است. او در مقابل نام هر یک از اصحاب امامان، رمز نام آن امام را، بر اساس رمزهای ابواب رجال شیخ طوسی، یاد کرده است. همچنین کوشیده است تا پس از ذکر نام راوی و دادن آگاهیهای لازم در باره او، نام کسانی را که از آن راوی روایت کرده‌اند، ذکر کند و برای این کار روایات هر راوی را از کتابهای چهارگانه حدیثی شیعه، الفهرست شیخ طوسی، الفهرست شیخ متجب‌الدین، مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه ابن بابویه و مشیخه تهذیب الاحکام شیخ طوسی استخراج کرده و به ترتیب، با نشانه‌های خاص، به آنها ارجاع داده است.

اردبیلی با این تلاش، راهی برای شناخت راویان و تمیز مشترکات گشوده و مشکلات فراوانی را حل کرده است. او از بسیاری از راویان مجهول رفع ابهام کرده و اسانید متعدده به ظاهر مرسل را مسند ساخته و روایات ضعیف را از ضعف رهانده است. ویژگی چنین روشی شناسایی و معرفی بسیاری از روات امامیه است که در منابع معمول رجالی شرح حال آنها ذکر نشده است. اردبیلی (ج ۱، ص ۶) تصریح کرده قریب دوازده هزار روایت را که عالمان به صورتهای یاد شده می‌پنداشتند، با این شیوه تصحیح کرده است. جامع الرواة خاتمه‌ای دارد که مؤلف در آن از موضوعات مهمی سخن گفته و آنها را با عنوان «فوائد» گزارش کرده است. این فوائد برگرفته از تلخیص المقال و نقد الرجال است که با همان رمزها مشخص شده‌اند (ع اردبیلی، ج ۲، ص ۴۶۱-۴۷۳).

تألیف جامع الرواة حدود بیست سال طول کشید و در ۱۹ ربیع‌الاول ۱۱۰۰ به پایان رسید. این کتاب، به سبب جامعیت و اشتمال آن بر رجال کتب اربعه، مورد استفاده فراوان عالمان و فقهای امامیه قرار گرفته است (برای نمونه ع حائری، ص ۴۹، ۱۴۵، ۱۷۰، ۳۵۷، ۳۷۶؛ غسروی تبریزی، ج ۶، ص ۳۱۲). آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۵) این کتاب را بی‌نظیر، و سبحانی (ص ۱۲۹) مؤلف را مبتکر در این فن دانسته و کارآمدی اثرش را ستوده است. شیوۀ اردبیلی در بهره‌گیری از اسانید برای تمیز مشترکات، مورد توجه عالمان امامیه قرار گرفته است.

رجال استاد مسلم، در علم اخلاق و فلسفه الهی، بارع و مسلط و در فنون ریاضی صاحب نظر بود و در جمیع این علوم تألیفات و آثاری پدید آورد (نراقی، ۱۳۵۷ ش، مقدمه آشتیانی، ص بیست و دو - بیست و سه).

اگر چه در دوره اسلامی کتابیایی در باره اخلاق نوشته شده اما اخلاق به علم، به معنای امری کلمه، تبدیل نشده و در شمار سایر علوم اسلامی قرار نگرفته بود. به نظر می رسد عالمان دینی با وجود تعالیم اخلاقی قرآن و روایات، خود را از تألیفی مستقل در باب اخلاق، بی نیاز می دیده اند زیرا معتقد بودند که مسلمانان با اتکا به قرآن و با به کار بستن دستورهای آن، به نیکی و راستی دست خواهند یافت. این روش فکری در باب اخلاق، برخلاف روش فکری اندیشمندان یونانی است (فوشه کور^۱، ص ۷)، از این رو در سراسر آثار اخلاقی جهان اسلام به آیات و روایات استناد شده است و احتمالاً عالمان دینی، تدوین اخلاق معقول و صرفاً مبتنی بر عقل عملی و بدون اتکا به ایمان و عقیده را غیر ممکن می دانسته اند، چنانکه به نظر محمد عبدالله دراز، اخلاق بدون عقیده و ایمان به حقیقت اخلاقی، جایگاهی ندارد (دراز، مقدمه بدوی، ص ۵؛ نیز به اخلاق^۲).

جامع السعادات به تصریح مؤلف (۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵) یک بخش از حکمت عملی قدیم (یعنی اخلاق) را در بر می گیرد و درباره سایر بخشها (یعنی تدبیر منزل و سیاست مُدُن) سخن نمی گوید، زیرا غرض وی از تألیف آن تنها بحث در چگونگی اصلاح نفس و تهذیب اخلاق بوده است.

جامع السعادات مشتمل بر سه باب است: باب اول در مقدمات که در آن مباحث کلی و مبانی علم اخلاق مطرح شده است، از قبیل تجرد و بقای نفس، تأثیر طبیعت آدمی بر اخلاق، نقش تربیت در اخلاق، شرف علم اخلاق به سبب شرافت موضوع و غایتش، ترکیب حقیقت انسان از جهات متقابل و اینکه غایت سعادت، تشبه به مبدأ است؛ باب دوم در اقسام اخلاق، شامل مباحثی چون اجناس فضائل و رذائل، بحث درباره فضائل چهارگانه (حکمت، عدالت، شجاعت و عفت)، در حقیقت عدالت، اینکه عقل نظری ادراک کننده فضائل و رذائل است، حد وسط (اعتدال) و اطراف آن (افراط و تفريط) در اخلاق؛ باب سوم در باره اخلاق پسندیده، شامل یک مقدمه و چهار مقام. در مقدمه از راه نگهداری اعتدال فضائل، درمان کلی بیماری نفس و درمان ویژه بیماری نفس بحث می شود و در مقامات، از قوه عاقله، امور متعلق به قوه غضب، رذائل و فضائل قوه شهوت، پژوهش در باب رذائل و فضائل که مربوط به این قوای سه گانه یا متعلق به دو قوه از آنهاست، سخن به میان می آید.

آیت الله بروجردی نیز چنین شیوه ای را در بحثهای رجالی خود، پیش از اطلاع از روش کتاب جامع الرواة، به کار بسته و آن را با گسترده کردن منابع، کمال بخشیده است (به حسینی جلالی، ص ۱۳۳-۱۴۰). آیت الله خویی نیز در معجم رجال الحدیث، در بحث رجال امامیه، شیوه ای شبیه به کار اردبیلی داشته است. اردبیلی در جامع الرواة در باره برخی از عالمان معاصر خود مطالب کوتاهی آورده است (برای نمونه به ج ۱، ص ۲۸، ۳۰، ۲۳۵، ۲۹۹-۳۲۰، ۳۲۲-۳۲۴، ۵۴۴).

جامع الرواة به سفارش و تأکید آیت الله بروجردی و همراه مقدمه کوتاه و پرنکته وی به چاپ رسیده (قم ۱۳۸۰) و پس از آن بارها منتشر شده است. سیدحسین حسینی قزوینی (متوفی ۱۲۰۸) آن را در ضمن کتاب معارج الاحکام خود تلخیص کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۷۸). سیدعلی محمد دستغیب، نام راویان موثق آن را با عنوان معجم الثقات فی جامع الرواة، گردآوری کرده است.

اردبیلی کتابی نیز به نام تصحیح الاسانید (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۹۳) داشته که تلخیصی از آن را در انتهای جامع الرواة آورده است (به ج ۲، ص ۴۷۳-۵۳۰). این کتاب در باره طرق شیخ طوسی، مذکور در مشیخه تهذیب الاحکام و الاستبصار و کتاب الفهرست است.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعة: کواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، چاپ علی نقی منزوی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ همو، مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۲۷ ش؛ محمدبن علی اردبیلی، جامع الرواة و اراحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ مرتضی حائری، کتاب الخمس، تحقیق محمدحسین امراللهی، قم ۱۴۱۸؛ احمد حسینی اشکوری، اجازات الحديث التي كتبها شيخ المحدثين و محیی معالم الدین المولی محمدباقر المجلسی الاصبهانی: ۱۰۳۷-۱۱۱۰ هـ، قم ۱۴۱۰؛ محمدرضا حسینی جلالی، المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالية لسید الطائفة آية الله العظمی البروجردی، قم ۱۳۷۸ ش؛ جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، قم ۱۴۲۳؛ علی غروی تبریزی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی: کتاب الطهارة، تقریرات درس آية الله خوئی، ج ۶، قم ۱۴۱۰.

/ محمدعلی مهدوی راد /

جامع السعادات، کتابی در اخلاق به عربی، تألیف ملا محمد مهدی نراقی^۳، از حکما و فقهای سده دوازدهم و سیزدهم. محقق نراقی در علوم شرعی، فقه، اصول فقه و